

# افسون افسانه‌ها

برونو بتلهایم

ترجمهٔ اختر شریعت‌زاده



## فهرست

۱	.....	مقدمه: تلاش برای معنا
۵	.....	قصه‌های پریان و تنگناهای هستی
۱۳	.....	قصه پریان: یک صورت هنری بی‌همتا

### بخش نخست: انبانی پر از جادو

۲۷	.....	کشف زندگی از درون
۳۴	.....	«مله‌گیر و دیو» قصه پریان در قیاس با اساطیر
۴۲	.....	قصه پریان در مقایسه با اسطوره خوش‌بینی در برابر بدبینی
۵۱	.....	«سه خوک کوچک» اصل لذت در برابر اصل واقعیت
۵۶	.....	نیاز کودک به سحر و جادو
۶۷	.....	جایگزین سازی در برابر شناخت آگاهانه
۷۶	.....	اهمیت برون‌افکنی چهره‌ها و رویدادهای خیالی
۸۳	.....	دگر دیسیها فانتزی نامادری بدجنس
۹۳	.....	نظم دادن به آشفتگی
۹۵	.....	«ملکه زنبورها» دستیابی به یکپارچگی

## کشف زندگی از درون

شکل فرمزی کوچک نخستین عشق من بود. با خود می‌گفتم اگر می‌توانستم با او ازدواج کنم، به سعادت کامل می‌رسیدم.

این گفته چارلز دیکنز<sup>۱</sup> نشان می‌دهد که او هم، چون میلیونها کودک در سراسر جهان و در طول قرون، مسحور قصه‌های پریان شده بود. او حتی زمانی که شهرت جهانی داشت به تأثیر عمیق و شکل‌دهنده‌ای که وقایع و شخصیت‌های قصه‌های پریان بر او و نبوغ آفریننده‌اش گذارده بودند اذعان داشت و بارها و بارها کسانی را که به انگیزه عقل حقیر و ناآگاه بر عقلانی کردن، سانسور یا ممنوعیت این داستانها اصرار می‌ورزیدند و در نتیجه کودک را از تأثیر مهم و سازنده این قصه‌ها هر زندگی محروم می‌کردند، تحقیر می‌کرد. دیکنز دریافته بود که خیال‌پردازی قصه‌های پریان بیش از هر چیز دیگری به کودکان در دشوارترین و در عین حال مهم‌ترین و ارضاکنده‌ترین وظیفه‌شان یاری می‌رساند: دستیابی به یک آگاهی کاملتر تا بتوانند به فشارهای آشفته ذهن ناآگاه نظم بخشند[۱].

امروز چون گذشته می‌توان با قصه‌های پریان ذهن کودکان را، چه خلاق و چه میانه‌حال، به روی درک و ارج گذاردن چیزهای برتر زندگی گشود تا بتوانند از این حقه آغاز به آسانی به مرحله لذت بردن از آثار بزرگ ادبی و هنری برسند. مثلاً مک‌نیس<sup>۲</sup>، شاعر انگلیسی، می‌گوید:

1. Charles Dickens

2. Louis MacNeice

قصه‌های پریان واقعی همیشه برای شخص من باارزش بوده‌اند، حتی وقتی مدرسه می‌رفتم، جایی که اعتراف به این امر باعث بی‌اعتبار شدن بود. برخلاف آنچه، حتی این روزها، اکثر مردم می‌گویند، قصه پریان، لااقل نوع کلاسیک عامیانه آن، جدی‌تر از هر رمان متوسط ناتورالیستی است که فقط اندکی بیشتر از ستون شایعات روزنامه به عمق مسائل می‌رود. من در دوازده سالگی خواندن داستانهای عامیانه و قصه‌های پیچیده‌تر پریان همچون قصه‌های اندرسن، اساطیر ملل اروپای شمالی و داستانهایی چون کتابهای آلیس و کودکان آب<sup>۱</sup> را به پایان رساندم تا رسیدم به ملکه پریان<sup>۲</sup>.

برخی منقدان ادبی، از جمله جی. کی. چسترتون<sup>۳</sup> و سی. اس. لوئیس<sup>۴</sup>، قصه‌های پریان را «سیر و سیاحت‌های روحی» می‌دانستند و از همین لحاظ «کاملاً شبیه به زندگی»، زیرا «زندگی انسان را همان‌گونه که می‌بینیم، احساس می‌کنیم و از درون کشف می‌کنیم» آشکار می‌سازند<sup>۳</sup>.

قصه‌های پریان به طریقی متفاوت با هر شکل ادبی دیگر کودک را در کشف هویت و رسالت خود راهنمایی می‌کنند و به او نشان می‌دهند که برای پرورش منش خود نیازمند چه تجربه‌هایی است. قصه‌های پریان می‌فهمانند که به‌رغم ناملایمات، زندگی خوب امکان‌پذیر است — اما فقط در صورتی که شخص از درگیریهای خطر خیزی که بدون آنها نمی‌توان به هویتی راستین دست یافت نگریزد. این داستانها به کودک نوید می‌دهند که اگر شهامت درگیر شدن در این جستار ترسناک و جانکاه را داشته باشد، نیروهای نیکخواه به کمکش خواهند آمد و او پیروز خواهد شد. همچنین این داستانها به او هشدار می‌دهند که اگر کسی از فرط بزدلی و کوته‌اندیشی از خطر بپرهیزد و در پی شناختن خود نباشد، ناچار باید به یک زندگی کسالت‌آور تن در دهد — اگر دچار سرنوشت بدتری نشود.

آن دسته از کودکان نسلهای پیشین، که قصه‌های پریان را دوست داشتند و به اهمیت آن پی برده بودند، مانند مک نیس فقط در معرض تحقیر فضل‌فروشان بودند و بس. امروز بسیاری از فرزندان ما از فقدان بس بزرگتر رنج می‌برند —

1. *Water Babies*2. *Faerie Queen*

3. G. K. Chesterton

4. C. S. Lewis